خراسان رضوی

صفحه آخر

دوشنبه
۱۸ بهمن ۱۳۹۵
۸ جمادی الاول ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۴۹۷

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام هادی (ع)

به راستی که حرام، افزایش نمی یابد و اگر افزایش یابد، بر کتی ندارد و اگر انفاق شود، پاداشی ندارد و اگر بماند، توشه ای به سوی آتش خواهد بود.
کافی (ط-الاسلامیه) ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۷

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی
تونواز که دیگران ندانند، توساز که دیگران نتوانند
همه را از خودپرستی رهایی ده، همه را به خودآشنایی ده.
همه را از مکر شیطان نگاهدار، همه را از کید نفس آگاه دار.

شاعران خراسانی

نظرسنجی تلگرامی

در چهارمین نظرسنجی تلگرامی کانال اخبار خراسان بررسی می شود

دلیل استقبال کم رنگ از جشنواره فیلم فجر مشهد

چهارمین نظرسنجی کانال اخبار خراسان به جشنواره فجر مشهد اختصاص یافته است. صندلی های خالی در اکران فیلم های این جشنواره در مشهد، بهانه آن شد تا این سوال را بپرسیم که؛ «به نظر شما دلیل استقبال کم رنگ از جشنواره فیلم فجر مشهد چیست؟»

الف) ضعف اطلاع رسانی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
ب) کیفیت پایین فیلم ها
ج) نحوه فروش بلیت و ساعت اکران

مخاطبان کانال اخبار خراسان و خوانندگان محترم روزنامه خراسان رضوی می توانند از ساعت ۹ صبح امروز (دوشنبه) با مراجعه به کانال @akhbarekhorasan، در این نظر سنجی شرکت کنند. شرکت کنندگان در این نظرسنجی می توانند با ارسال کد ۱ به کاربر @khorasanerazavi، در قرعه کشی این کانال خبری شرکت کنند و از جوایز آن بهره مند شوند. کانال اخبار خراسان همچون نظرسنجی های قبلی، به قید قرعه به ۲۰ نفر از شرکت کنندگان بلیت استفاده از یکی از شهربازی های مشهد به ارزش ۶۵ هزار تومان را اهدا می کند.

خراسان به روایت خراسان

۱۸ بهمن ماه ۱۳۴۵

گدای پولداری که خود را حلق آویز کرد

۵۰ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

چند روز قبل جنازه زن هشتاد ساله ای به نام بی بی گل که در اتاق محقرش حلق آویز شده بود، کشف گردید.

این پیرزن در محلات شهر گدایی می کرد. از جیب لباس های او مبلغ چهل و پنج هزار ریال پول نقد به دست آمده و هنوز معلوم نشده که وی خودکشی کرده و یا قربانی جنایتی شده است. جریان تحت رسیدگی قرار دارد.

گاز کرسی جوانی را کشت

پسر جوان ۱۴ ساله ای به نام حسین در بخش ۶ مشهد در گذشت. اوایل، اولیای او فکر می کردند که وی خودکشی کرده، ولی در معاینات پزشکی که از وی به عمل آمد، معلوم شد که وی در اثر گاز کرسی در گذشته است. اجازه دفن به نام متوفی صادر [شد] و پرونده وی تحت پیگرد قرار گرفت.

تخلف مستخدم، دبیرستان را به آتش کشید

روز گذشته یکی از دانش آموزان دبیرستان فردوسی که برای مطالعه دروس خود به قسمت عقب ساختمان دبیرستان رفته بود ناگهان متوجه شد از زیر شیروانی یکی از ساختمان ها دود غلیظی برمی خیزد. وی خود را به دفتر دبیرستان رساند و جریان را به اولیای دبیرستان گزارش داد.

بلافاصله تمام کارکنان دبیرستان برای مقابله با آتش بسیج شدند و از اداره آتش نشانی کمک خواستند.

در این موقع که چند دقیقه ای از مشتعل شدن آتش می گذشت، شعله های آتش و دود به هوا برخاستند و از مسافت بعیدی دیده می شد.

در این وقت کلیه دانش آموزان به دستور رئیس دبیرستان از مدرسه خارج شدند و کارکنان دبیرستان دانش بزرگ نیا که در مجاورت دبیرستان مذکور قرار دارد، به دستور رئیس دبیرستان به کمک آن ها شتافتند و با تلاش زیادی سعی می کردند که آتش را مهار کنند ولی تلاش آن ها چندان موثر نبود و یکی از کارکنان دبیرستان به نام آقای حسینی که به داخل ساختمان رفته بود، موفق شد با تلاش خود مقداری میز و صندلی و سایر اشیای چوبی را که در طبقه دوم ساختمان قرار داشت از پنجره به خارج پرتاب کند.

در این موقع اتومبیل های آتش نشانی آژیر کشان از راه رسیدند و ماموران به تلاش برای مهار آتش پرداختند.

بعد از خاموش کردن آتش ساختمان مشخص شد که مستخدم دبیرستان اتاقی را که در طبقه دوم ساختمان است، فرش کرده و در آن بخاری گذاشته و زندگی می کرده است. مستخدم دبیرستان که گویا بدون اجازه رئیس دبیرستان مزبور، آن اتاق را تصرف کرده بود، این موضوع را انکار می کرد.

نمای تاریخی

تصویری از مهار آتش در مدرسه تاریخی فردوسی مشهد - سال ۱۳۴۵

عکسی قدیمی از آیت ا... سید کاظم اخوان مرعشی سوار بر جیپ ارتش پس از همراهی ارتش با جریان انقلابی مردم مشهد - سال ۱۳۵۷

قصه‌های انقلاب

سارا یزدانی

ساعتی میهمان بانوان پیشتاز و مجاهدی که تاریخ را از نو نوشتند

روایت‌هایی از زمانه انقلاب

انقلاب اسلامی ایران در مسیر پیروزی‌اش، تجربه‌های فراوانی را از سر گذراند؛ قصه‌های زیادی از این جوشش تاریخی ملت در سینه‌ها نهفته است. اما بسیاری از قهرمانان این انقلاب، زنان و مردان محجوبی هستند که در پیروزی آن برای خود نام و کامی نجستند، در ادامه «قصه‌های انقلاب» امروز سراغ دو بانوی مبارز و مجاهد رفتیم که هر کدام تجربه خودشان را از این واقعه تاریخی دارند:

معلم ۱۵ ساله و مکتبی که بستر حرکت‌های تشکیلاتی شد

به روایت تاریخ، شانزدهم دی ماه سال ۱۳۵۶ نقطه عطفی در مبارزات انقلابی مردم مشهد بود. در این روز راهپیمایی به نشانه اعتراض به وضعیت موجود جامعه و حجاب زنان توسط جمعی از زنان انقلابی مشهد شکل گرفت که به مثابه جرقه‌ای برای حرکت‌های بعدی مردم انقلابی مشهد عمل کرد. یکی از جلودار ان این حرکت، «صدیقه مقدسی» دختر آیت‌ا... ابوالحسن شیرازی بود.

خانم مقدسی، از ورودش به بستر جریانات انقلاب این طور می‌گوید: روحیه مبارزه در همه اعضای خانواده ما وجود داشت؛ از پدرم بگیرید تا همسرم. خاطرم است، ۱۵ سال داشتم که با حجت‌الاسلام و المسلمین موسوی خراسانی ازدواج کردم و با هم عازم قم شدیم، در همان سن و سال کم در آن شهر مذهبی کلاس‌های درس داشتم که بعد از بازگشت به مشهد هم تداوم یافتند. بعد از مدتی همسرم که امام جماعت مسجد الرضا(ع) مشهد بود، به من اجرای برنامه در آن مسجد را پیشنهاد دادند که از آن بسیار استقبال کردم و در واقع همان مکان و آدم‌هایش بستر حرکت‌های تشکیلاتی من شدند.

افتتاح مدرسه‌ای برای اسلام‌شناسی

این بانوی مجاهد ادامه می‌دهد: سال ۱۳۴۹ تصمیم گرفتم با هدف اشاعه اسلام، مدرسه‌ای به نام اسلام‌شناسی دایر کنم. آن ایام، بحث‌های انقلابی داغ‌تر شده بود و رفت و آمد ما با انقلابیون باعث شد تا بذر یک حرکت پُرجوش در من نیز جوانه بزند. در حقیقت فضای مدرسه اگرچه بستر تدریس علوم حوزوی و قرآنی بود اما زیرپوستش، با افرادی که معتمد بودند، حرکت‌های انقلابی را دنبال می‌کردیم.

اعلامیه پراکنی خواهران طلبه در مساجد

خانم مقدسی به نمونه‌هایی از اقدامات بانوان انقلابی مشهد اشاره می‌کند و می‌گوید: برنامه‌های ما در مدرسه حساب شده و از روی برنامه بود. شاید یکی از دلایلی که در تمام سال‌های فعالیت انقلابی‌مان مشکلی بروز نکرد، همین بود. یادم می‌آید هنوز حرکت‌های انقلابی به خیابان‌ها کشیده نشده بود که ما در همین مدرسه، اعلامیه‌های امام(ره) را دسته‌بندی می‌کردیم و خواهران طلبه آن‌ها را از روی بالکن مساجد در شبستان‌ها می‌ریختند و پیش از آن که نمازگزاران متوجه بشوند، از آنجا دور می‌شدند.

ساواک سرگردان

وی یادآور می‌شود: ماموران ساواک واقعا از کارهای ما سرگردان شده بودند، می‌دانستند ما اقداماتی انقلابی داریم، اما نتوانسته بودند مدرکی علیه ما فراهم کنند. چند باری داخل مدرسه ریختند و آن را زیر و رو کردند اما چیزی نیافتند. سخنرانی‌های بانو مقدسی هم همان‌قدر پُرشور و انقلابی بود و حتی ساواک را هم حساس کرد، طوری که او را از اجرای هر نوع مراسم سخنرانی منع کردند؛ «وقتی با این ممنوعیت مواجه شدم، راه دیگری را پیش گرفتم، یعنی شروع کردم به برگزاری برنامه‌های پرسش و پاسخ و در قالب آن مفاهیم مدنظرم را به مخاطب انتقال می‌دادم.»

یک راهپیمایی جریان‌ساز

او ماجرای راهپیمایی پُرشور زنان انقلابی مشهد را نیز این طور تعریف می‌کند: با مشارکت جمعی از چهره‌های انقلابی مشهد، این راهپیمایی را تدارک دیدیم. قرار شد خواهران طلبه صبح روز هفده دی ماه سال ۵۶ در «حسینیه نخودبریزی‌ها» در فلکه آب جمع شوند و حرکتی را به سمت میدان شهدا آغاز کنند. این خبر را با ترفندی به دیگر بانوان مشهدی هم اطلاع داده بودیم. به این شکل که نوشته‌هایی را که حاوی اطلاعات این حرکت بود، در شیشه‌های دارو گذاشتیم و رد و بدل کردیم. آن روز سالروز فرمان کشف حجاب رضاخانی بود و به همین مناسبت قرار بود برخی زنان، برنامه جشنی در میدان مجسمه(شهدا)، برپا کنند. حرکت دختران و زنان انقلابی هم در اعتراض به فرمان کشف حجاب شکل گرفت. اما با مداخله نیروهای امنیتی و دستگیری و بازداشت جمعی از تظاهرکنندگان این راهپیمایی نیمه تمام ماند. در مجموع این اقدام شروعی بود برای حرکت‌های انقلابی مردم مشهد.

او افتخار می‌کند که بخشی از این جریان بوده و تاکید می‌کند: از انقلابی که با خون‌های بسیار به ثمر نشست، باید به شایستگی صیانت کنیم.

به شهادت همسر و برادرانم در راه آرمان‌های امام افتخار می‌کنم

اما انقلاب ایران حرکتی جهانی بود و دامنه این موج بزرگ به دیگر کشورهای مسلمان نیز رسید و بسیاری در اقصی نقاط جهان به حرکت خمینی کبیر، اقتدا کردند.

نمونه‌ای از شاگردان انقلابی امام(ره)، خانواده‌ای عراقی هستند که در ایام تبعید امام خمینی(ره) در عراق در محضر ایشان بودند و بعدها در راه تحقق نهضت جهانی اسلام، شهدایی را تقدیم کردند. از این خانواده؛ خانم عالیه تقوی(الحدادی) بانوی عراقی باقی مانده است. او از ماجرای آشنایی‌اش با جریان انقلاب ایران این طور می‌گوید: دانشجوی دانشکده المنتصریه بغداد بودم و رشته ریاضی می‌خواندم. در بین دختران آن دانشگاه، تنها دختری بودم که با حجاب سر کلاس حاضر می‌شدم و راضی نمی‌شدم روسری را از سر بردارم. شاید نگاه مذهبی من زمینه آشنایی و دوستی با خواهر شهید سیدمحمد باقر صدر را فراهم کرد. در ارتباط بیشتر با خانم بنت‌الهدی صدر، با امام خمینی(ره) و افکار و اعتقادات ایشان نیز بیشتر آشنا شدم. وی را مبارزی می‌دیدم که در زمانه حکومت مردان مستبدی چون صدام حسین، نقطه امیدی برای ملت‌های مسلمان بود. وی به واسطه این علاقه در توزیع اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی(ره) در عراق مشارکت می‌کند؛ «اعلامیه‌ها متن‌های پُرشوری داشتند و مسلمانان را به مبارزه علیه ظلم دعوت می‌کردند.» وی ادامه می‌دهد: برادر و پدرم در زمان حضور امام(ره) در عراق به واسطه تبعیدی ناخواسته، با ایشان ملاقات داشتند و افکار این بزرگمرد را ستایش می‌کردند.

ازدواج؛ مقدمه ورودی پُرشورتر به فعالیت‌های انقلابی

خانم تقوی متذکر می‌شود: من چون تنها دختر محجبه دانشگاه بودم و فعالیت‌های انقلابی با بنت‌الهدی صدر داشتم، مورد توجه یکی از دوستداران آیت‌ا... خمینی(ره) که عراقی‌الاصل بود، قرار گرفتم. ما با هم ازدواج کردیم. اگرچه همسرم به لحاظ سیاسی بسیار محافظه‌کار بود و حرفی نمی‌زد؛ اما می‌دانستم در تدارک برنامه‌های انقلابی است. فرزندم سه ماهش نشده بود که نیروهای بعث عراق نیمه شب به خانه ما ریختند و همسرم را بردند. آن‌ها ۲۰ روز در خانه ما ماندند. هر کسی زنگ می‌زد هفت‌تیر را روی شقیقه من می‌گذاشتند که از کسی که پشت خط است بخواهم به خانه ما بیاید. بعد هم او را به زندان می‌بردند. دوتن از برادرها و مادرم را از همین طریق دستگیر کردند و به زندان فرستادند. بعد از ۲۰ روز هم، خودم را به زندان منتقل کردند.

پایمردی در اسارت

وی به تلخی از دوران اسارت یاد می‌کند و می‌گوید: من و فرزندم در زندان شکنجه روحی زیادی تحمل کردیم. همانجا بود که به واسطه شکنجه‌ها فرزند دومم را از دست دادم. چند سال را در زندان رژیم بعث گذراندم. در این مدت خبردار شدم همسرم و برادرش را که حاضر نبودند اطلاعاتی در خصوص طرفداری‌شان از جریان انقلاب ایران بدهند، در وان اسید انداخته‌اند. کمی بعد هم سه تن از برادرانم به دستور صدام ملعون اعدام شدند. من در تمام مدت اسارت لب از لب نگشودم و زیر شکنجه‌های آن‌ها دوام آوردم. شاید باورشان شده بود که من یک معلم ساده هستم و از هیچ چیز خبر ندارم که بعد از چند سال اسارت به ایران تبعیدم کردند. ۱۲ عضو خانواده ام شهید این راه ارزشمند شدند.

افتخار امروز؛ بودن در کنار رهبر ایران

این بانوی مجاهد با لحنی پُرشور می‌گوید: از آن سختی‌ها سال‌ها گذشته، اما افتخار امروز بودن در کنار مردمی است که برای نجات باورهایشان به خمینی کبیر اقتدا کردند. سعادت دیگر برای من، بودن در سایه رهبر معظم انقلاب و عمل به رهنمودهای ایشان است.

یادداشت

دکتر محمد سلطانی فر

مدیر تحقیقات رسانه مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

شبکه‌های اجتماعی، پذیرش یا انکار؟

فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یکی از مهم‌ترین ابزارها برای نمودیافتن آثار جهانی شدن است. جوامع مختلف تحت تاثیر تحولات بسیار عظیم علمی و تکنولوژیک به سمت جامعه اطلاعاتی در حال حرکت هستند. استفاده از اینترنت و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در میان ایرانی‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافته است و بررسی‌ها نشان می‌دهد با توسعه این بستر ارتباطی و تعاملی در فضای مجازی، این روند همچنان ادامه خواهد داشت. متاسفانه و یا خوشبختانه هیچ کس نمی‌داند سرانجام شبکه‌های اجتماعی چه خواهد شد و این ساختارهای ارتباطی پیشرفته و محبوب تا کجا به زندگی آدمی نفوذ خواهند یافت. طبیعی است که قاطبه جوان جامعه ما که از قضا در آمارهای جمعیتی نیز گوی سبقت را از دیگر نسل‌ها ربوده‌اند، مشتری اول و پروپاقرص این شبکه‌ها و ساختارهای اجتماعی و ارتباطی هستند. این امر باعث شده، کارکردهای این شبکه‌ها در زندگی فردی و حرفه‌ای افراد گسترده‌گی بیشتری بیابد. در مورد چیستی این شبکه‌ها، مواجهه، کاربرد و چرایی گرایش کاربران ایرانی به بدان‌ها، بحث‌های زیادی انجام می‌گیرد. واقعیت این است که دنیای امروز ما، دنیای گسترش فناوری و به همان میزان، دنیای گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های ارتباطی است که همین امر تنوعی در دسترسی گروه‌های مختلف جامعه به جریان اطلاع‌رسانی ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی، استفاده درست از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند فرصت‌ساز شرایط بهتر در جامعه ما باشد. اگر شبکه‌های اجتماعی همچون دیگر فناوری‌ها در جایگاه صحیح خود تعریف شوند، نه تنها تهدید محسوب نمی‌گردند بلکه حتما فرصت خواهند بود. مشکل همیشه در نحوه مواجهه جامعه تعریف می‌شود و این که اغلب ساختارها پیش از ورود فرهنگ به کشور ما توسعه پیدا می‌کنند. همین عدم هم‌گامی این دو مولفه، باعث می‌شود بهره‌برداران فناوری، اغلب خسران‌هایی را تجربه کنند. باید پذیرفت که در این عصر، دیگر هیچ مرزی روی توسعه و فناوری بسته نیست و ملت‌هایی در بهره‌مندی از پیشرفت، کامیاب هستند که بپذیرند، نحوه مواجهه، نتیجه بهره‌برداری را مشخص می‌کند. یک نکته مهم که شاید در این مقطع، باید به کاربران شبکه‌های اجتماعی آموزش داده شود، تاثیر و اهمیت پیام‌هایی است که این افراد از این شبکه‌ها دریافت می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کاربران این شبکه‌ها اغلب زمان قابل توجهی را صرف مطالعه محتوای آن‌ها می‌کنند، حقیقت آن است که اطلاعاتی که از این طریق به دست مخاطب می‌رسد او را باسوادتر نمی‌کند بلکه وی را نسبت به امور مطلع‌تر می‌سازد. این موضوع از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که متاسفانه بعضی کاربران در بعضی ساختارها، این شبکه‌ها و محتوای آن‌ها را محور عمل و دانش خود می‌بینند که این امر می‌تواند تولید آسیب کند. اما هشدار دیگر متوجه ساختارهای فرهنگی جامعه است. همان‌هایی که هنوز محتاطانه با این شبکه مواجه می‌شوند و از پذیرش رسمی یا نفی آن‌ها، حرفی به میان نمی‌آورند. باید به متولیان این ساختارها ضریب نفوذ و همه‌گیری شبکه‌های اجتماعی را متذکر شد و تاکید کرد که از این بستر برای تولید محتوای سازنده خود بهره بگیرند. حقیقت آن است که دولت در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی دچار تعارض و بلاتکلیفی است، چنان که بخشی از دولت این امر را یک فرصت می‌داند و از این ابزارها استفاده می‌کند و بخش دیگری از دولت آن را تهدید می‌داند و سعی در محدود کردن آن دارد. تا زمانی که دولت تکلیف خودش را با این مسئله مشخص نکند و در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی رویکرد دوگانه و یا حتی چندگانه‌ای را در پیش بگیرد، جامعه در استفاده صحیح و مطلوب از این ابزارها دچار مشکل خواهد بود چون ساختاری متولی ارائه محتوای کیفی به او نیست. تهدید صرف تلقی کردن این چنین ساختارهایی، حُکم پاک کردن صورت مسئله را دارد و فرصت آموزش و نهادینه کردن فرهنگ درست را از جامعه دریغ می‌کند. اما نکته مهم دیگر آن است که، با تداوم این روند و پیشرفت شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های قدیمی همچون رادیو، تلویزیون و مطبوعات در کوتاه مدت مخاطبان خود را حفظ خواهند کرد، اما اگر این رسانه‌ها خودشان را در بلندمدت در بستر و بروب جهانی تعریف نکنند، به حذف محکوم خواهند بود. با همین رویکرد است که امروز بسیاری از رسانه‌های بزرگ دنیا، ساختارهای خود را در فضایی بزرگ‌تر می‌جویند. آن‌ها به شبکه‌های اجتماعی نه فقط به عنوان یک رقیب بلکه به مثابه بستری می‌نگرند که کمک خواهد کرد صدای آن‌ها بهتر و رساتر شنیده شود.

در ساختار محتوایی نیز مطبوعات و رسانه‌هایی ماندگارند که حرف جدی و تازه‌ای برای گفتن داشته باشند و تحلیل‌های متقنی از احوالات پیش رو ارائه کنند. در جمع‌بندی این بحث، باید یادآور شد شبکه‌های اجتماعی، قطعا بستر ارتباطی و تعاملی خوبی هستند اما کارکرد آن‌ها تا جایی معنا پیدا می‌کند که روابط فردی و لمس احساسات و عواطف آدمی، به این فضا محدود نشود که اگر چنین شود، اساس «ارتباط» به مخاطره می‌افتد. نکته دوم، مواجهه ساختارهای رسمی با این بستر ارتباطی جدید است که تاکید شد، هرچه بیشتر رنگ پذیرش بگیرد، بهره‌برداری بهتری از آن به نفع جامعه انجام خواهد گرفت. نهایتا اما تلاش جامعه باید شناخت مرزها باشد، این که بدانیم تا کجا جلو برویم و کجا متوقف شویم؟ اگر همین‌ها برای آحاد جامعه تبیین شود و افراد مرزهای خود را در تعامل با این ساختار اجتماعی بدانند، وزنه نفحات بر نقمات ارجحیت می‌یابد.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضا کیانیان صفحه اینستاگرامش را با این تصاویر از تئاتر جدیدش با عنوان «حرفه‌ای» به‌روز کرد.

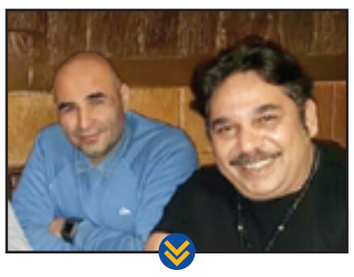
علی مسعودی کمدین مشهدی هم آخرین پست اینستاگرامی‌اش را به دور همی با دوستانش به‌ویژه داریوش سلیمی بازیگر تلویزیون اختصاص داد.

روز گذشته و همزمان با مراسم تشییع «حسن جوهرچی» بازیگر محبوب سینما و تلویزیون؛ این تصویر دیده نشده از وی در حرم امام رضا(ع) در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.

یک عکس زیبا از مراسم معرکه‌گیری که گویا بقایایش هنوز موجود است.